

بررسی و نقد کتاب «تمدن اسلامی در عصر عباسیان»

شهلا بختیاری*

چکیده

متون و کتابهای متعددی باب آشنایی خوانندگان امروزی را با دستاوردهای کهن تمدن باز می‌کنند. نقد این کتابها راهی به سوی زدودن ابهام و روشن کردن قابلیت‌های متون و حوزه‌های متعدد فکری و نگارشی نویسنده و در مواقع ترجمه، مترجم محسوب می‌شود. در پاسخ به پرسش موارد قوت و کاستی کتاب تمدن اسلامی در عصر عباسیان از حوزه تألیف و ترجمه می‌توان فرض کرد که ارائه مطالب در خصوص نشان دادن دستاوردهای تمدنی عصر عباسی انگیزه تألیف و ترجمه شده است و میزان موفقیت نویسنده و مترجم زیاد بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که موارد قوت کتاب در مقایسه با کاستیهای آن زیاد است. مؤلف با داشتن رویکردی شریعت محور عمل کرده و به خوبی از ارائه دستاوردهای تمدنی اسلامی در حوزه‌های مختلف برآمده است. مترجم نیز با گزینش اثری مناسب، جای خالی چنین آثاری در زبان فارسی را پر کرده و متنی حتی برای تدریس با کاستی‌های اندکی در حوزه ترجمه ارائه داده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی عباسیان، مکی، نقد، بررسی، متون.

۱. مقدمه

نقد را می‌توان دانش تنقیح آثار و نوشته‌ها دانست که علاوه بر روشن ساختن نوشته‌ها به زدودن ابهام از آنها به بارور ساختن ظرفیتهای آن کمک می‌کند. از این حیث نقد نوعی واکاوی به حساب می‌آید که فرد و به عبارت روشن تر خواننده را در کشف

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء dr_shba@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۴

قابلیتهای متون، حوزه فکری و نوع نگرش نویسنده، توانمندی وی در ارائه دغدغه‌های فکری‌اش، موفقیت متن در رساندن اهداف و انگیزه‌های تألیف، دریافت هدف نوشته و میزان نوآوری آن، اتقان و مستند بودن استنادها و مسائل بسیار دیگر از این دست یاری می‌کند. با این توضیحات می‌توان در دو حوزه اثر و مبدع اثر نگاهی منتقدانه به قصد دریافت قوتها و شناخت ضعفهای اثر به نوشته‌ها داشت. از این تأکید نیز نباید غافل بود که نقد دو سویه با هدف روشن ساختن قوتها و حیظهای ارحجیت یک اثر در کنار دریافت حوزه‌های ضعف و یا مغفول - به عمد و به سهو- اثری به باور شدت توانایی انتقال مفاهیم علمی آثار کمک می‌کند.

به این ترتیب نقد آثار تالیفی، گامی بزرگ در شناخت اثرگذاری یک نوشته است. این امر با بررسی نقاط قوت و ضعف آثار می‌تواند به سوی عمیقتر شدن آنها در فضای علمی کمک کند. به این سبب نقد متضمن شناخت نقاط قوت و نیز نقاط ضعف یک اثر است و با همین هدف نیز انجام می‌شود. در حقیقت با این کار میزان اعتبار آن اثر به محک آزمایش گذاشته می‌شود و روزه‌های جدیدی به سوی اصلاح و نوآوریهای بهتر گشوده می‌شود.

از سوی دیگر، آثار مربوط به حوزه تمدن بشری دریچه‌ای به سوی درک بخش‌های عینی تاریخ است. نوشته‌ها و مکتوبات مربوط به این حوزه بخش‌های عملکردی زندگی جامعه انسانی را به تصویر می‌کشند و در کنار وقایع و رخدادها، محقق را به تماشا و بررسی منظری متفاوت با مناظر ارائه شده در کتابهای تاریخ سیاسی دعوت می‌کنند. این امر بازسازی گذشته را ممکن‌تر و بازبینی دستاورهای انسان را عملی‌تر می‌سازد. آثار تمدنی مسلمانان بیانگر سابقه پیشرفت آنان و کوششی است که برای ساختن جامعه‌ای بهتر برای زندگی آسوده‌تر به کار برده‌اند. یکی از کتابهایی که ما را به این مجموعه راهنمایی می‌کند، کتاب تمدن اسلامی در عصر عباسی است. عصر عباسی از لحاظ تمدنی دارای ویژگی‌هایی است که بررسی آن را وجود چندین نوشته را ضروری می‌نماید.

۲. معرفی اثر و ویژگی‌های آن

در این بخش کتاب از منظر ویژگیها معرفی می‌شود. قصد بر این است تا مختصات اثر که میزده‌های ظاهری آن از دیگر آثار است نشان داده شوند. وجود عواملی سبب شد

که تا اثر در یک بررسی معرفی گونه به بوته نقد کشیده شود. عواملی از قبیل: تعلق به حوزه تمدنی که بخش جدایی ناپذیر تاریخ است، معرفی ویژگیهای تمدنی عصری که از نظر زمان طولانی - عصر حاکمیت عباسیان- و از نظر گستره جغرافیای وسعت زیادی - از مرزهای آسیای میانه تا اقیانوس اطلس- را در عصر خود در اختیار داشت، کاربردی بودن نتایج مطالعات حوزه تمدنی که می تواند با اندک تغییراتی در تطبیق با زمانه تطبیق و کارآیی داشته باشد. و مواردی از این دست

کتاب *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، نوشته محمد کاظم مکی^۱ و ترجمه محمد سپهری است که تا به حال در سه نوبت به چاپ رسیده است. چاپ نخست آن در سال ۱۳۸۳ و چاپ سوم آن توسط انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. این کتاب دارای ۴۸۲ صفحه و چهار بخش می باشد.

تعلق کتاب به حوزه تمدنی در تاریخ اسلام لزوم نگرشهایی از این دست را مهم و ضروری کرده است. طراحی کتاب در چهار بخش بوده است. این تقسیم بندی خود نیز تقسیمات جزئی تری دارد که می تواند ناشی از نگاه مولف به حوزه مورد بررسی باشد.

بخش نخست: تمدن، عصر، سرزمین: مکی در این بخش به مفهوم تمدن و ویژگیهای آن در دو قسمت: میراث عرب و زبانهای غیر عرب از سه زبان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی پرداخته است و سیر تطور این اصطلاح را از اندیشمندان رومی تا زمان معاصر بیان کرده است. در فصل دوم، مکی عصر عباسی و گستره جغرافیایی آن را از منظر تمدنی و تاریخ بررسی کرده و نگاشته است. وی عصر عباسی را به سه دوره متمایز تقسیم کرده است. عصر نخست عباسی (۱۳۲ هـ.ق. - ۲۳۲ هـ.ق.)، عصر عباسی دوم (۲۳۲ هـ.ق. - ۴۴۷ هـ.ق.) عصر عباسی سوم (۴۴۷ هـ.ق. - ۶۵۶ هـ.ق.) (مکی، صص ۴۴-۵۲).

معیار تقسیم بندی نویسنده به این سه دوره، بر حسب میزان پیشرفت و پسرفت تمدن بوده است. این نوع تقسیم بندی متمایز از تقسیم بندیهای معمول است که دوره عباسیان را به دوره تاسیس و تثبیت، دوره شکوفایی و سپس اضمحلال تقسیم کرده اند. (←طفوش، ۱۳۸۰)

ب- گستره‌ی جغرافیایی حکومت عباسی: در نگاه مکی مملکت اسلامی در دوره‌ی عباسی به بزرگترین مساحت جغرافیایی خود رسید. مرزهای آن در شمال از بالاترین نقاط ترکستان در آسیا و کوه‌های پیرنه در اسپانیا، در جنوب دریای سرخ و اقیانوس هند تا دورترین نقاط صحرای بزرگ آفریقا، در شرق سرزمین سند و پنجاب در هند و بخشی از چین تا اقیانوس اطلس در غرب امتداد داشت. به نظر می‌رسد، همین ویژگی نشان می‌دهد مطالعه تمدنی این عصر می‌تواند قواعدی را ارائه دهد که برای مسلمانان فارغ از مرزهای سرزمینی و تقسیمات سیاسی وحدت‌زا باشد. آنچه که امروزه به آن جهانی شدن گفته می‌شود، از نظر جغرافیایی در حاکمیت عباسی به شکلی تحقق یافته بود.

بخش دوم کتاب به جامعه‌ی عباسی و احوال معیشت آن اختصاص یافته است. مکی نژادهای ساکن در قلمرو عباسیان را از نظر ایفای نقش در ساختار سیاسی پنج نژاد: عرب، ایرانی، ترک، رومی، سیاهان و دیگران تقسیم کرده است. در بخش ادیان نیز وضعیت و نقش اهل ذمه را فضای سیاسی - اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد، اما بر خلاف ذکر عنوان "مذاهب" در تیتراژ مربوطه (ص ۷۶) در متن مطلبی درباره مذاهب دیده نمی‌شود.

مباحث جمعیت‌شناسی و اختلاط نژادها - که در این کتاب به آن پرداخته شده است - برای شناخت ترکیب جمعیتی، تاثیر پذیری فرهنگی و اجتماعی حائز اهمیت است. این مباحث به شکلی محدود و بیشتر در لابه لای حوادث و رویداد های تاریخی به آن پرداخته شده است و تا حدودی ابن خلدون به این مباحث ورود داشته است. (ابن خلدون، ۱۴۰۸) توجه نویسنده به این بخش می‌تواند زوایای مهمی از ویژگیهای فرهنگی و تمدنی نژادها را روشن سازد.

در بررسی روشن می‌شود، یکی از شاخصه‌های این بخش اختصاص فصلی به طبقات اجتماعی است. (مکی، ۱۳۹۱: ۸۳-۹۲) او آنان را شامل اشراف، آزادگان، مولی، بردگان می‌داند و بردگان را به سه گروه تقسیم می‌کند: بردگان خانگی برای تأمین رفاه خانواده، بردگان کارگر و کشاورز، بردگان نظامی. مبانی تقسیم بندی وی خاص است که با تقسیمات جامعه شناسان متفاوت امروزی می‌باشد. او اشراف را شامل هاشمیان می‌داند به این ترتیب طبقه اشراف در نگاه وی دارای ممیزه تعلق به خاندان اهل بیت می‌باشند. به احتمال این ویژگی با بحث حیثیت اجتماعی در تقسیمات طبقات و اقشار اجتماعی

سازگاری بیشتری دارد. او آزادگان را قبایل عرب و ساکنان اصلی سرزمینهای فتح شده ذکر کرده که به اسارت در نیامدند. موالی حدفاصل آزادگان و بردگان فرض شده اند. مجتمع‌های مسکونی اعم از ده، قریه، روستا و شهر و شهرسازی در فصل دوم این بخش مطرح شده اند. این بخش که وضعیت جغرافیایی مناطق مسکونی را بیان می‌دارد، در عرصه سیاسی و تاریخی اهمیت دارد. به نحوی که با مراجعه به منابع جغرافیایی می‌توان زوایای بسیاری از حوادث و رویدادهای تاریخی را روشن ساخت. (مقدس، ۱۴۱۱) نویسنده نیز به اهمیت این موضوع واقف بوده و با ذکر بخش‌های مسکونی، ارتباط آنها را با نحوه فتوحات با اهمیت دانسته است. فتوحات پی‌درپی و جستجوی منابع حیات به منظور فراهم نمودن معیشت برتر و پیوستن به مراکز بحث و درس و ... از جمله عواملی است که موجب پیدایش نهضت مهاجرت از جزیره العرب و دیگر مناطق به سرزمین‌های مفتوحه شد.

خانه‌های مردم، و تأثیر ایرانیان در لباس عصر عباسی، انواع و اشکال لباس‌های عامه و خاصه، تفنن، تزئین و خودنمایی با لباس، خوراک و تحول غذا در عصر عباسی، انواع و عناصر خوراک‌ها، لوازم آشپزخانه و ظروف سفره، آداب سفره، مهمانی‌های عمومی و خصوصی، مجالس شراب، اوقات فراغت و تفریحات: در اینجا توجه به مسائلی از جمله به گردش در بوستان‌ها، به ویژه در اعیاد و اوقات فراغت، بازی با شطرنج و نرد، مسابقات ورزشی مانند چوگان، شنا و شکار از نکات حوزه زندگی اجتماعی است که به خوبی مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

در فصل دیگری از این بخش اعیاد، مناسبت‌ها و جشن‌ها از جمله اعیاد دینی اسلامی، اعیاد دینی غیر اسلامی، اعیاد ملی و اجتماعی، اعیاد خانوادگی و خصوصی مورد بحث بوده اند.

بخش سوم کتاب در سه فصل به سازمان اداری، مالی و اقتصادی عصر عباسی اختصاص یافته است. سیر تحول سازمان اداری در عصر عباسی، انواع دیوانها و ضمن آن بیان حقوق کارمندان و تعطیلات هفتگی از اهم مطالب این بخش هستند. مکی ذیل عنوان ثروت در عصر عباسی به ثروت انباشته در خزانه‌ی دولت، منابع مالی شرعی و جدید حکومتی، پول، طلا و نقره به عنوان دو واحد اصلی پول، ضرب سکه و سیر تحول آن اشاره می‌کند. در ادامه به منظور تسهیل پرداخت و پرهیز از نابودی پول ابزارهای جدیدی به وجود آمد که علاوه بر حمل آسان، امنیت بالایی نیز داشت، که این

اسناد را سفته می‌نامیدند و نخستین بار ناصر خسرو از آن سخن به میان آورده است. (ص ۲۴۰)

فصل دوم این بخش به امور اقتصادی و عمران اراضی، کار، مالکیت زمین، زمین و زراعت، انواع دامداری و پرورش حیوانات، معادن و انواع آن- که به عنوان ثروت‌های زیر زمینی لحاظ شده اند- در عصر عباسی پرداخته شده است.

فصل سوم به صنعت، تجارت و ارتباطات اختصاص دارد. تقسیم مهم‌ترین صنایع این عصر به صنایع غذایی، نساجی، لوازم خانگی، فلزی و پوست، عطر و رنگ، صنعت کاغذ سازی و پیش فروش تولیدات صنعتی و نیز مطالبی درباره تشکیلات حرفه‌ای که اعضای آن را صنعتگران، کسبه و پیشه‌وران برای رفع مشکلات و رفع اختلافات از مهم‌ترین مباحث این فصل است. استخراج این بخش‌های در منابع که به شکلی محدودی به آنها پرداخته اند، کار ارزشمندی است که نویسنده انجام داده است؛ زیرا منابع تاریخی کمتر این مباحث را بیان کرده اند و با مراجعه به منابع متعدد می‌توان نمونه‌هایی از آنها را استخراج و جمع‌آوری نمود.^۲

در بحث تجارت در عصر عباسی، مولف توزیع نابرابر مواد و کالاهای اساسی در مناطق، استقرار شماری از صنایع در برخی از مناطق، تلاش برای برقراری توازن در میان مناطق به منظور فراهم نمودن امنیت مصرف و به عبارتی دیگر انتقال مواد و کالاهای اساسی را برخی از اسباب رواج بازرگانی در این عصر می‌داند. او بازرگانی در سایه‌ی حکومت اسلامی و عواملی دیگری از قبیل موارد زیر را دلیل شکوفایی تجارت در عصر عباسی برشمرده است: رشد و گسترش شهرها، افزایش جمعیت و در نتیجه رشد مصرف، افزایش تولید صنعتی و کشاورزی، رواج چک و سفته، شیوه‌های تجاری از قبیل مضاربه، گسترش ضرب سکه، پایین آمدن بهای فلزات قیمتی، افزایش مصرف کالاهای لوکس و تجملاتی و ...

در بحث مبادلات تجاری در عصر عباسی مولف با بررسی مراکز تولید و بازارهای مصرف به نتایجی رسیده است:

- شهرهای عصر عباسی مصرف‌کننده‌ی عمده‌ی غلات، روغن، مواد روغنی، سبزیجات، گوشت، انگور، خرما، ادویه‌جات و انواع چاشنی غذا بود.

- در حالی که مصرف عمده‌ی جمعیت‌های بدوی در جزیره‌ی العرب، صحرای بزرگ، آسیای میانه و ایران، گوشت، مواد لبنی، چربی و کره بود.

- در زمینه‌ی تجارت و صادرات حیوان، شتر در درجه‌ی نخست بود. اسب ایران به هند و خلیج فارس و اسب عربی به شام و مصر صادر می‌شد و...
- جهان اسلام به طور کلی وارد کننده‌ی مواد معدنی بود زیرا تمدن اسلامی در صنعت و ضرب سکه نیاز مبرمی به این فلزات داشت.

- بیشتر مناطق جهان اسلامی خالی از جنگل بود مگر قسمت‌هایی محدود بنا بر این حکومت‌ها تدابیر اجرایی ویژه‌ای برای نظارت بر ثروت محلی و حفظ بیشه‌زارها و جلوگیری از غارت جنگل‌ها اتخاذ کردند. لذا راهی جز تأمین چوب از راه تجارت نبود.

- در عصر عباسی مبادله‌ی ظروف سفالی ساخت چین با شیشه‌های ساخت صور، صیدا و اسکندریه نیز انجام می‌شد. مسلمانان سرور تاجران سنگ‌های قیمتی بودند.

ادامه مطالب این فصل به حضور گروه‌های متفاوت یهودی، مسیحی، بودایی، زرتشتی، مانوی در کنار مسلمانان در نقاط مختلف جهان در بخش بازرگانی پرداخته است. در مباحث بازارها، وی بازار را بازتابی از تمدن این دوره دانسته و در ذکر فرایند تحول می‌گوید: بازارهای عربی سالیانه و موسمی بود اما در دوره‌های نخستین اسلامی هفتگی شد و سپس شکل ثابت یافت. در بغداد چندین بازار وجود داشت و هر صنفی راسته جداگانه‌ای داشت تا با سایر اصناف در هم نیامیزند. برخی از بازارها در خارج شهرها و در کنار دروازه‌ها و دیوارهای شهر و بر حسب تخصص تشکیل می‌شد.

موضوع بعدی ارتباطات است. وی معتقد است راه‌های ارتباطی در عصر عباسی، فقط شریان‌های تجارت و اقتصاد نبود بلکه نقش‌های تمدنی دیگری نیز ایفا می‌کرد، از جمله: وسیله‌ی ارتباطی ملت‌ها، نشر عقیده، خدمت‌رسانی به حاجیان. در اینجا به جاده‌ها و راه‌های زمینی و مهم‌ترین آنها و راه‌های رودخانه‌ای و راه‌های دریایی اشاره می‌کند. در این بخش و فصل‌های آن بخشی روساختی تمدن اسلامی نمایان شده است. اهمیت این بخش در حدی بوده است که در دولت عباسیان ابن خردادبه که منصب خزانه داری دولت عباسی را در دست داشت، برای چگونگی جمع‌آوری مالیات در راه‌های ارتباطی منتهی به خلافت عباسی، اقدام به تدوین کتاب مسالک و ممالک کرد که یکی از منابع بسیار مهم در بخش جغرافیایی دولت عباسی محسوب می‌شود. (← ابن

بخش چهارم کتاب با سه فصل به فرهنگ در عصر عباسی اختصاص یافته است. مکی برای فرهنگ در عصر عباسی منابع و مراکز قائل است. او علاوه بر منابع فرهنگ در عصر عباسی منابع دیگری مأخوذ از دیگران را نیز دخیل دانسته است. منابع فرهنگی یونانی، ایرانی و هندی. وی معتقد است در این زمان نهضت فکری گسترده و عمیق بر اساس اسلام ایجاد شد و علوم و دانش‌های جدید برای خدمت به بشریت در زمینه‌های پزشکی، دارو سازی، ستاره‌شناسی، علوم طبیعی، کیمیا و ریاضیات تقدیم دارند.^۳

در فرهنگ یونانی هرچند خاستگاه این فرهنگ، تمدن‌های شرقی قدیم در مصر، بابل و فینیقیه بود، اما در عصر عباسی در قالب و شکل یونانی به مشرق زمین بازگشت. فرهنگ یونانی از طریق نهضت ترجمه به خصوص ترجمه‌ی متون فلسفی و ابواب مختلف علوم تجربی به عالم اسلام انتقال یافت.

در فرهنگ ایرانی، نیز مسلمانان در زمینه‌ی دبیری، دیوان‌ها و انتقال و ترجمه‌ی آثار ادبی از ایرانیان استفاده کرده و از سبک ایرانی که متکی بر بیان، بدیع و آرایش لفظی بود تأثیر پذیرفتند. علاوه بر این علوم عدیده‌ای از زبان فارسی به عربی ترجمه کردند از جمله: فلک، طب، حکمت، تاریخ، جغرافیا و سازمان‌های دولتی.

در زمینه فرهنگ هندی مکی معتقد است، در عصر عباسی، هند یکی از ولایات عصر عباسی بوده و خاستگاه فرهنگ و اندیشه بود زیرا مسلمانان از حکمت، ادبیات، علوم فلک و ستاره‌شناسی، حساب و خصوصاً پزشکی هند استفاده کردند.

مکی در بحث مراکز فرهنگ در عصر عباسی تقسیم بندی جغرافیایی فرهنگی ارائه داده است. با این وجود و به رغم گستردگی فراوان، مملکت عباسی در حکم یک منطقه بود. اما مراکز به شش منطقه و مرکز تقسیم می‌شدند که با هم در تبادل و اقتباس علمی بودند. این مراکز عبارت بودند از: ۱- عراق و جنوب ایران ۲- مصر و شام، ۳- خراسان و ماوراء النهر ۴- سند و افغانستان ۵- مغرب و شمال آفریقا ۶- جزیره العرب. نویسنده در هر مورد علاوه بر توضیح رشته‌های رایج در آن مناطق نام شماری از دانشمندان مشهور آنجا را ذکر کرده است.

وی در مطالعه‌ی اختصاصی رشد نهضت فرهنگی در عصر عباسی را مورد توجه قرار داده است. وی متذکر شده در عصر عباسی فرهنگ از فضای مناسبی برخوردار بود. زیرا حمایت و اهتمام حاکمان از علم و عالم، مشارکت حاکمان در مجالس بحث و مناظرات

علمی، عکس العمل مثبت مردم، احترام فوق‌العاده‌ی مردم برای فقیه و یا دانشمند در رشد آن تأثیر داشت.

فرهنگ از راه‌ها و با استفاده از ابزارهایی توسعه یافت. مجالس درس، املاء و حلقه‌های علمی از جمله راه‌های توسعه فرهنگ در عصر عباسی بود که پیش از تأسیس مدارس در مساجد برگزار می‌شد.

مکی در فصل دوم این بخش اندیشه در عصر عباسی مطرح و به سه محور اشاره می‌کند:

الف: علوم اسلامی و زبانی: دولت عباسی یک دولت اسلامی بود. قانون‌گذاری اسلام بر دومنبع قرآن و سنت استوار است. در نتیجه علوم نظیر علوم قرآنی قرائت و تفسیر، علوم حدیث، فقه، اصول فقه، علم کلام و علوم عربی پیدا شد که قرآن به این زبان نازل و حدیث در قالب آن می‌باشد. مولف افزون بر ذکر توضیحاتی در این باره به نام تعدادی از مؤلفین و کتاب‌های آنان اشاره می‌کند.

ب- دستاوردهای علمی در عصر عباسی شامل همه‌ی دانش‌ها از جمله علوم انسانی و طبیعی می‌شود. از این رو نویسنده به بررسی تاریخ، جغرافیا، نجوم، ریاضی، کیمیا و گیاه‌شناسی، پزشکی و دارو سازی پرداخته و سیر تطور و تکامل آنان را به ذکر دانشمندانی برجسته در این رشته‌ها نشان می‌دهد.

ج- نهضت فلسفی: نویسنده معتقد است فلسفه همچون ادبیات زائیده‌ی فکر عرب نبود، بلکه از طریق اقوام یونانی، ایرانی، رومی و هند به اندیشه مسلمانان راه یافت. در ابتدا کتاب‌های اقوام مذکور به زبان عربی ترجمه شد و رواج آن دستاوردهای تازه با فضای فکری اسلام آثار ارزشمندی به ارمغان آورد. نویسنده به فیلسوفانی بزرگ در این رابطه اشاره می‌کند.

این بخش از کتاب، با توجه به اینکه عصر طلایی تمدن اسلامی در دوره عباسی و متأثر از نهضت ترجمه، تبادل آراء و اندیشه‌های متفکران، ارتباط فکری و فرهنگی کشورهای مختلف با دولت عباسی و غیره بوده است (متز، ۱۳۷۷- لوکاس، ۱۳۸۲- دوران، ۱۳۷۷)، می‌تواند زوایای فکری دانشجویان را به پیشینه درخشان علمی و تمدنی اسلام آشنا سازد.

فصل سوم: ادبیات و هنر در عصر عباسی: مکی در زمینه ادبیات در عصر عباسی معتقد است دستاوردهای ادبی و تولیدات هنری، تصویر زمان است و البته زائیده یک عصر

معین. در عصر عباسی فضای تمدنی مناسب موجب شد تا دستاوردهای عظیم، متنوع و غنی و گسترده ادبی و هنری به وجود آید. او پدیده‌های تمدنی عصر عباسی که نقش مهمی در فعال‌سازی نهضت ادبی داشتند، عبارتند از: ۱- انتقال نظم و نثر از مرحله‌ی شفاهی به مرحله‌ی تدوین ۲- تحول سازمان‌های اداری دیوان‌ها ۳- توسعه و گسترش مجالس ادبی در مساجد و دربار حاکمان ۴- تأثیر پذیری در جنبش مطالعاتی در مباحث دینی مانند فقه و قرآن ۵- راهیابی و نفوذ مذاهب جدید تمدن ۶- تأثیر پذیری قصیده و مفردات آن و ترک خشونت بدوی ۷- حمایت مستمر از ادبیات و رقابت دولت‌ها در جذب ادبا.

از زیر مجموعه‌های ادبی نثر ادبی است که در عصر عباسی در کنار شعر عربی در محافل و قلوب مردم مورد تقدیر و شگفتی واقع شد. انواع نثر ادبی عبارت بودند از نثر فنی دیوانی، رساله‌های اخوانی، قصه و حکایت، تألیف منابع ادبی و مجامع ادبی. در پژوهش و مطالعه‌ی شعر عباسی از نظر تمدنی دو پدیده شاخص بود: ۱- پیدایش دیوان‌ها و گزیده‌های شعری ۲- گرایش‌ها و جریان‌های شعری. نویسندگان به انواعی گوناگون در هر یک اشاره کرده است.

در زمینه هنر مکی نوشته است، سرزمین‌هایی که اسلام فتح کرده بود همچون رومیان، ایرانیان، هندیان و صقلیبیان میراث هنری ریشه‌داری داشتند. از تلاقی فرهنگ‌ها و روابط بین اقوام، خصوصیات و ویژگی‌های هنری اسلامی پیدا شد و در زمینه‌های معماری، تزیینات، خط، موسیقی، نقاشی بروز کرد. نویسندگان در هر مورد به نمونه‌هایی اشاره می‌کند، همچنین به انواع دیگری از هنر مانند تئاتر نیز اشاره دارد. بخش پایانی کتاب مکی خاتمه است. وی در انتها رئوس مطالب کتاب را در شش مورد خلاصه می‌کند و پس از آن فهرست‌هایی برای موارد زیر بیان می‌دارد:

- ۱- آیات، ۲- روایات، ۳- اشعار، ۴- اشخاص، ۵- گروه‌ها، ۶- جایها، ۷- کتاب‌ها و ۸- منابع و مآخذ.

۳. ویژگی‌ها و امتیازات کتاب تاریخ تمدن اسلامی

پس از ارائه انتقادی مطالب کتاب به نظر می‌رسد، می‌توان در دیدگاه انتقادی چندین مسئله را مورد بررسی قرار داد.

الف) امتیازات شکلی اثر:

یکی از ویژگیهای کتاب که آن را برای محقق و خواننده ایرانی قابل استفاده کرده است، ترجمه نسبتاً روان آن است. هرچند این بحث باید در بخش ترجمه بیان می شد، اما در نقد کتاب حاضر نمی توان آن را نادیده گرفت.

ارائه فهرست مطالب در ابتدا و فهرست‌های گوناگون و اعلام در انتهای کتاب امکان بهره‌گیری سریع از آن را آسان‌تر کرده است. خط و قلم مناسب که از ویژگیهای چاپی اثر می باشد، نیز بر سهولت استفاده افزوده است. بخشبندی و فصل‌بندی‌های محتوایی و زیر مجموعه‌های آن مناسب و مفید دیده می شود. در عین حال که مطالب کتاب را نظم محتوایی نیز بخشیده است. پانوشتهایی در زیر نویس صفحات کتاب علاوه بر مستندسازی مطالب، بیانگر حجم بسیار زیاد منابع مورد مراجعه نویسنده است. ذکر تاریخ سال و قایع به تاریخ هجری قمری و تقارن آن به سال میلادی نیز امکان تفکیک زمانی در مطالعه کتاب فراهم آورده است. وجود مقدمه و نتیجه‌گیری در کتاب به دسترسی سریع به مطالب آن کمک می‌کند. در ضمن تک جلدی بودن اثر مزایای از قبیل سهولت حمل و نقل، سرعت در دست یافتن به مطالب درون کتاب، پرهیز از زیاده کویی و ... برای آن فراهم کرده است.

ب) امتیازات محتوایی و بهره‌گیری از کتاب نیز نباید دور از نظر باشد. اثر حاضر منبع مفیدی برای درس کلیات فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می‌شود به ویژه آن که کتاب مستقلاً در این باره در عصر عباسی موجود نیست؛ جامعیت نسبی در ابواب مختلف فرهنگ و تمدن که حاکی از احاطه‌ی علمی نسبی مؤلف می‌باشد؛ وجود مدارک و اسناد معتبر و دست اول در کنار این مسئله در موارد متعدد از مطالعات و تحقیقات متأخر نیز استفاده شده است. تعریف و تحدید عملیاتی محدوده پژوهش و کتاب و ابواب مختلف آن از ویژگیهای دیگر کتاب است. بیان و روشن ساختن نسبت برخی مطالب همسو و واژگان مترادف مانند نسبت بین فرهنگ و تمدن؛ استناد به آیات قرآن و روایات و نیز بهره‌گیری از منابع در زمینه‌های لغت، اصطلاح و تاریخ و ... سرانجام گشودن دریچه‌ای باز جهت درک اوج و فرود تمدن عباسی فرا روی خواننده و افزایش دانش برای طالب علم از عمده‌ترین محاسن کتاب به شمار می‌آید.

۴. مبانی نظام فکری نویسنده و تأثیر آن بر نوشتار کتاب

علاوه بر ویژگیهایی که در بررسی شکل کتاب می توان دید، مسائلی در نظام فکری نویسنده سبب گرایش او به تألیف شده است موارد ذیل را از اهم آن می توان دانست.

- گزینش تعریفی عام برای واژه تمدن به ضرورت گستردگی و طولانی بودن عمر

تمدن عصر عباسی

همان گونه که ملاحظه شد، مولف در بخش نخست در رویکردی تئوریک در صدد بیان مفهومی واژه تمدن است. وی به این سبب تعاریف متعددی از تمدن بیان شده که معنای شهرنشینی از آن مستفاد می شود و در مواردی به تعریف ابن خلدون نزدیک تر است. با توجه به وسیع بودن معنا و مفهوم تمدن به نظر می رسد، مکی در صدد بوده است حوزه ای از تعریف را برگزیند که به او شاخص های لازم در ارائه و توضیح مبانی تمدنی عصر مورد نظر را بدهد. وی در ادامه بحث عناصر و ویژگیهای تمدنی را مورد توجه قرار داده است..

وی پنج عنصر، میراث ویژه بشری، عقل، زمان، مکان و نژاد را در تمدن عصر عباسی مهم دانسته و در پایان نتیجه می گیرد که تمدن نتیجه تلاش پیگیر انسان از خلقت تاکنون است و هدف انسان از این تلاش پیگیر بالا بردن سطح زندگانی مادی و معنوی خویش است.

- جستجوی ریشه ها و عناصر ربط دهنده بدنه و ریشه تمدنی عصر عباسی:

او در نگاه تمدنی به دنبال پیدا کردن اصول تشکیل دهنده تمدن و ساختهای آن است. نگره وی در پی یافتن رونماها به ویژه در بدنه، تنه و ریشه ها سبب شده تا در بخش تمدن و فرهنگ به دنبال ارائه رابطه ای بین این دو و تبیین تناسب آنها باشد.

در فصل دوم مکی آغاز تمدن عباسی پیشتر از تاریخ عباسی می داند و تاریخ تقریبی آن را سال ۹۸ هـ.ق. می داند و خاطر نشان می کند که در نگاه تمدن محور نمی توان دوره های اسلامی را از هم جدا کرد.

از این حیث با وجود حرکت داشتن تمدن و تاریخ، پیشی داشتن تمدن بر تاریخ را امری مسلم می داند و در ادامه آن تمدن اسلامی نیز تمدنی است که بر تاریخ دولت اسلامی پیشی دارد و فراگیرتر است. (مکی، ص ۳۳)

- غلبه تحولات ساخت سیاسی بر تحولات تمدنی

در تقسیم عصر عباسی به سه دوره متمایز فرض بر این بود که وی موضوع یا امری در حوزه تمدنی را مد نظر قرار داده باشد. اما مطالعه و بررسی صفحات ۴۴-۵۲ کتاب نشان می دهد که وی نیز در این فضا تحت تأثیر تحولات تاریخ سیاسی است. قوت و قدرت خلفای عصر نخست در مقابل چیرگی ترکان در آغاز در عصر دوم و ظهور "دولتهای کوچک در شرق و غرب اسلامی" (مکی، ص ۴۹) و "فروپاشی مملکت اسلامی" (مکی، ص ۵۰) در عصر سوم همه ناشی از نگاه از حوزه تاریخ سیاسی است تا تحولات تمدنی.

- شاخص بودن توجه به فعالیتهای روزانه: مکی بخش دوم کتاب خود را با چهار فصل به زندگی و فعالیت‌های روزانه اختصاص داده است. این فصل به اثر وی تمایز ویژه بخشیده است. نگرش به جنبه‌ای از فعالیت اجتماعی که می توان آن را "روزانگی زندگی" نامید سبب شده است تا در فضایی فارغ از دولتمردان و حاکمان در تصویری منعکس کننده فضای اصلی ارائه شود.

- یافتن ریشه‌ای استنادی در احکام و آموزه‌ها دینی: مؤلف در اغلب موارد با بهره‌گیری از آیات قرآن و یا احادیثی از ائمه شیعه کوشیده تا زمینه‌های بحث و سخنان خود را مستند کند. از قبیل سیاست و مدیریت در اسلام با استناد به آیات قران (صص ۱۹۵-۱۹۸)، بردگی در اسلام (صص ۸۶-۸۹)، قواعد و اصول نظام اداری، شرایط انتخاب و حقوق و وظایف سازمان اداری (صص ۱۹۹۲۰۱)،

- وجود رویکرد شیعی: با وجود کوشش نویسنده برای نشان دادن شاخصه‌های تمدنی عام اما ذکر مطالبی دال بر در نظر داشتن نقش شیعیان نیز در تمدن عصر عباسی است. مواردی از قبیل بحث اشراف که ناظر به علویان و هاشمیان، حقوق و تمایزات آنان است. استناد مطالب به سخنان ائمه یا منسوب به ائمه (پاورقی‌های زیاد در اغلب صفحات)، ضرب سکه اسلامی برای نخستین بار در دوره امام علی (ع) (ص ۲۳۷)

- در نگاه مولف ثروت انباشته در خزانه‌ی دولت با امور اداری در عصر عباسی ارتباطی تنگاتنگ، دوسویه و رو به پیشرفت داشت. وی در بحث منابع مالی نیز به

خوبی منابع سنتی را که آنها را منابع شرعی دانسته از منابع مالیاتی جدید تفکیکی کرده است. (صص ۲۲۰ و ۲۲۱)

- حضور و غلبه شریعت محوری بر اندیشه نویسنده: جستجوی بینش مؤلف از میان نوشته‌های وی مستلزم تحقیقی مستقل است، اما مواردی نشان می‌دهد که شریعت در اندیشه وی حضور دارد، مواردی مثل اقتصاد عصر عباسی را مکتبی مبتنی بر اقتصاد اسلامی دانستن. (ص ۲۴۳) و طبیعت و کار دو منبع ثروت محسوب می‌شوند. از این حیث او کار را مقدس معرفی می‌کند.

وی با اسلامی دانستن عصر عباسی در هویت، مضمون و اصول همه علوم و معارف مسلمانان را مستند به قرآن و شریعت و عقیده اسلامی می‌داند. این امر می‌تواند ناشی از بینش و نگرش شریعت محور وی باشد. به این سبب است که وی در رأس منابع فرهنگ عباسی اسلام را ذکر می‌کند. (ص ۳۰۸)

۵. تحلیل کاستی‌ها

سویه دیگر نقد ذکر کاستی‌ها برای رفع در دیدگر نوشته‌هاست.

۵-۱. کاستی در ابعاد شکلی اثر

- این نوشته به عنوان منبع اصلی درس کلیات فرهنگ و تمدن اسلامی برای دانشجویان رشته‌ی الهیات ترجمه شده است و شایسته بود که در قالب متون کتب درسی سازماندهی شود، بدین معنا که به شکل درس هدف گذاری شود و خلاصه و نتایج در پایان آن درس ذکر شود.

- فقدان نقشه، عکس و یا تصویر مناسب به ویژه در بعضی از مطالب، مانند: نقشه برای شهرها و تطابق با نقشه‌های شهرهای امروزی و یاشایسته بودبا توجه به ویرانی بغداد پس از حمله‌ی مغول، نقشه‌ای بر اساس آنچه در کتاب تشریح شده، برای این شهر رسم شود.

- فقدان شرح حالی از نویسنده‌ی اثر و ذکر مطالبی درباره‌ی او، چون تولد و دوران حیاتش، زندگانی علمی وی، اعم از اساتید، شاگردان، آثار علمی و ...^۴

- تداخل و تکرار در نام‌گذاری‌ها: در برخی موارد رعایت نظام تقسیم و شماره‌گذاری نشده است. (وقتی چیزی را تقسیم می‌کنیم رابطه‌ی قسیم‌ها باید متباین باشد، یعنی

قسیم الشیء، غیر الشیء است و رابطہی قسیم با مقسم عینیت است و نسبتش عموم و خصوص مطلق.) به عنوان مثال صفحہی ۴۲ شماره‌ی دو آن عصر عباسی است که مقسم الف در صفحہی ۳۵ که آن هم عصر عباسی نام‌گذاری شده است. به عبارت دیگر در اینجا قسیم شیء خود آن شیء است و نه زیر مجموعه‌ی آن. همچنین موارد متعددی در شماره گذاری‌ها که اصل و فرع مخلوط شده است. مانند: شماره یک مفهوم تمدن در میراث عرب صفحہی ۱۳ تا ۱۹: متون ادبی و قرآن و دیدگاه ابن خلدون. صفحہ ۲۴: عناصر پدیده‌های تمدنی که با زیر مجموعه‌های آن شماره‌های یکسانی خورده تا صفحہی ۲۹. همچنین در صفحہی ۳۵ تمدن و تاریخ عباسی که شماره‌ی یک است فروع آن نیز شماره‌ی یک خورده است. این مشکل به صورت مستمر وجود دارد. برای رفع آن می‌توان از روش شماره‌گذاری در قالب روشن شدن زیر مجموعه‌ها (۱-، ۱-۲- و ...) و یا از روش ترکیب اعداد با حروف ابجد و یا دیگر موارد مشابه استفاده نمود.

۵-۲. کاستی‌های محتوایی

یکی از موضوعاتی که در هر تحقیق بدیع بودن و روشمند بودن آن را می‌رساند، پیشینه تحقیق است. اهمیت این بخش به آن دلیل است که کمتر موضوعی است که هیچ پژوهشی درباره آن انجام نشده باشد. (ملایی توانی، ص ۹۴) در کتاب مکی جای پیشینه‌ی تاریخی بحث خالی است. مطب چندانی از سوی مؤلف و حتی مترجم در این خصوص ارائه نشده است. این مطلب در حالی است که کتابها و آثار بسیاری درباره‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی تدوین و تألیف شده کتابنامه‌ی موجود در انتهای خود این کتاب نیز دال بر مدعای فوق است. در صورت ارائه چنین مطالعاتی ذکر نقاط قوت و ضعف آن منابع، برجستگی‌های نوی کار خود را روشن می‌ساخت.

- بخش چهارم حاوی مطالبی پیرامون منابع و مراکز فرهنگ، اندیشه و ادبیات و هنر در عصر عباسی است که بدون شک میزان تأثیرگذاری آن در تمدن بیشتر است تا بخش دوم که از مجتمع‌های مسکونی و احوال معیشت و ... سخن گفته است. به نظر می‌رسد، بهتر بود بخش چهارم کتاب بر بخش دوم پیشی گیرد.

- گاه مطالب مطرح شده بدون آدرس و ارجاعی از منبع اصلی آنها آمده‌اند. مانند صفحہی ۳۵۸ که داستانی از ابن سینا را مطرح و آدرس آن را از بروکلمان و حسن

ابراهیم حسن آورده می‌شود. همچنین مطالبی از فارابی، ابن طفیل و ابن رشد ذکر شده- اند، بدون آنکه به کتابهای ایشان مستند شوند. با اینکه کتابهای مذکور به راحتی در دسترس می‌باشد.

- در کل کتاب استقراء تام وجود ندارد چه در منابع و مراکز فرهنگ و چه درباره‌ی اندیشه در عصر عباسی که نمونه‌هایی از آنها خواهد آمد.

- مغفول ماندن بعضی از مطالب ضروری که در قسمت پیشنهادات به آنها اشاره خواهیم کرد.

- اطالهی کلام در موارد غیرضروری مانند: بخش اول و دوم تا صفحه‌ی اول بیشتر جنبه‌ی مقدمه چینی دارد، بلکه تا صفحه‌ی ۱۲۰ را می‌شد به اختصار در قالب چند صفحه آورد. هم چنین در مجموع می‌توان بدون آن که لطمه‌ای بر جامعیت مطالب وارد آید به اختصار گویی پرداخت.

- در این کتاب، نویسنده در معرفی شهرها بیش از همه به بغداد پرداخته است. شایسته بود برخی از شهرهای دیگر نیز معرفی و مقایسه می‌شد یا حداقل یک جامعه‌ی آماری از شهرها در عصر عباسی ارائه می‌شد و عمران و آبادی آنها با بغداد مورد مقایسه قرار می‌گرفت. ارائه استقرایی هرچند به صورت ناقص امکان توصیف تعدادی از این شهرها و مقایسه وضعیت تمدنی آنها را فراهم می‌کرد. همچنین در مورد آبرسانی و تأسیسات شهری در صفحات ۱۲۶-۱۳۲ نیز این مشکل وجود دارد.

- در توصیف شهر بغداد در صفحه‌ی ۱۳۲ سطر ۸ آمده است: «اسلام عامل اساسی یک جنبش مسکونی بود...» به نظر می‌رسد به جای کلمه‌ی جنبش مسکونی خانه‌سازی یا شهرسازی قرار می‌گرفت، همچنین با اندکی دقت حتی در خود این کتاب بدست می‌آید که در بغداد به عنوان گل سر سبد شهرهای عصر عباسی، در کنار کاخ‌های عظیم، مشقت فقرا و محرومان وجود داشت؛ بنا بر این نمی‌تواند عامل اساسی آن اسلام باشد، زیرا هدف مهم اینگونه شهرسازی‌ها حفظ امنیت برای خلیفه و دولتمران آنها بود. به ویژه آنکه در صفحه‌ی ۱۲۵ کتاب در توضیح ایرادهای سفیر روم به سه عیب شهر بغداد اشاره کرده می‌گوید: دوری از آب، کمبود فضای سبز، زندگی رعیت در نزدیکی حاکم. پس از آن منصور عیب‌هایی را که او گفته بود بر طرف کرد. در حالی که بر اساس ارزش‌های اسلامی زندگی حاکم و مردم باید در کنار هم و در مرآی و منظر یکدیگر باشد، نه آنکه دور از یکدیگر و متفاوت.

- در برخی موارد در تبیین مفاهیم و واژگان و یا نسبت بین آنها ابهام و اشکالاتی وجود دارد مانند:

- صفحه‌ی ۱۸ سطر ۹: «عمران اعم از تمدن است...» اما در یک روستا هم عمران صدق می‌کند ولی مساوی تمدن نیست. البته به نظر می‌رسد در این مورد ترجمه روان و واضح نیست.

- صفحه‌ی ۳۱ تا ۳۳ نسبت بین تمدن و فرهنگ: ظاهراً نویسنده قول ویل دورانت را پذیرفته که نتیجه‌ی آن نسبت بین فرهنگ و تمدن را عام و خاص مطلق معرفی می‌کند. در حالی که بهتر بود اقوال مختلف در این باره ذکر می‌شد و شاید بهترین قول رابطه‌ی نور و سایه بر اساس نظر بعضی از محققان باشد، به این معنا که فرهنگ به منزله‌ی روح تمدن است. (رحیمی، ص ۲۵)

- صفحه‌ی ۱۸: دیدگاه ابن خلدون: آیا منظور، مفهوم اصطلاحی است که در شماره‌ی ۴ قرار گرفته، پس بنابراین باید عنوان بحث اصلاح و مشخص شود که برای توضیح مفهوم اصطلاحی از نظر ابن خلدون بهره برده شده است. از سوی دیگر چرا تنها نظر ابن خلدون مطرح شده است؟ با اینکه افرادی نظیر ابوریحان بر او تقدم دارند. همچنین در بحث مدنی بالطبع بودن انسان، حکمایی نظیر فارابی و بوعلی در بحث اثبات ضرورت نبوت خیلی پیشتر سخن رانده‌اند.

- صفحه‌ی ۳۵ تا ۳۷: «تاریخ حوادث است... اما آنچه تغییر را ایجاد می‌کند زمان است...» این سخن قابل پذیرش نیست. زیرا زمان پدید آمده از حرکت و تغییر می‌باشد و اگر حرکتی نباشد زمان به وجود نمی‌آید. همچنان که خود حرکت هم مربوط به موجودات مادی است و نه مجرد، به تعبیر منطقی آن چون زمان «کم متصل غیر قار» است. بنابراین از اعراض بوده و بر موجودات مادی سوار است.

- صفحه‌ی ۳۶ پاراگراف سوم و چهارم: «بدین ترتیب...» ظاهراً این توضیح سخن بخشی قبلی نویسنده را نقض می‌کند. زیرا فرهنگ از نظر ایشان تا همه‌جایی نشود تمدن نیست، بنابراین نباید تمدن اختصاص به امری داشته باشد، بلکه به انسان باید اضافه باشد، نه قوم و قبیله و ملت، در صورتی که اینجا عکس آن مطالب را گفته‌اند.

- بعد از واژه‌ی تمدن شایسته بود، لغات همسوی با آن ذکر می‌شد تا جایگاه لغت تمدن با توجه به کتب‌هایی نظیر «فروق اللغویه» مشخص شود تا خواننده نظر انتخاب شده‌ی نویسنده را بهتر دریابد.

- شایسته است معادل‌های امروزی کلماتی مانند رطل و ذراع و... در پاورقی ذکر شود.

۶. نتیجه‌گیری

اگرچه این کتاب دارای امتیازاتی قابل توجه می‌باشد، اما از نظر حجم می‌توان کتاب را تقلیل داد. حداقل یک سوم آن بدون لطمه خوردن به کل کتاب قابل حذف است و حتی می‌توان به جای آن مطالب، نکاتی را به صورت گزیده با ارائه‌ی جداول و یا نقشه‌ها و ... مربوط به اصل بحث، ارائه کرد. البته لازم به ذکر است که یک سری نکات کاستی که مطرح شده، ممکن است مربوط به نارسایی ترجمه باشد و در برخی موارد نیز پیشنهاد می‌شود، بعضی مطالب اضافه شود، از جمله:

- مهم‌ترین خلأ و کاستی این نوشته فقدان فصلی پیرامون نقش ائمه علیهم السلام در فرهنگ و تمدن عصر عباسی است به ویژه آنکه نهضت فکری امام صادق (علیه السلام) چهار تا شش هزار شاگرد پروراند و امام رضا (علیه السلام) با ارباب اندیشه‌ها و مذاهب به مناظره نشست. سزاوار و شایسته است، در مرکز جهان تشیع «ایران» در کتابهای درسی دانشگاهی این امر مغفول واقع نشود.

- نقش عباسیان در جلوگیری از اعتلای وافر فرهنگ و تمدن: یکی از مهم‌ترین بسترهای رشد و اعتلای فرهنگ و تمدن در یک جامعه نظام عادلانه است. شخصیتی چون امیرالمؤمنین (علیه السلام) که دشمنانی مانند معاویه را به اقرار واداشت که: «روزگار مانند علی نخواهد زایید.» در عصر عباسی، ائمه‌ی معصومی چون امام صادق، امام کاظم و ... (علیهم السلام) حضور داشتند، اما حاکمان عباسی مانع شدند که مردم از آن امامان و از شاگردان آنان بهره‌ی وافر برده و خلافت عباسی جلوی اعتلای فرهنگ و تمدن را از این جهت سد نمودند.

- شایسته است فصلی درباره‌ی تأثیر تمدن عباسی بر تمدن غرب در شاخه‌های مختلف علوم عقلی، تجربی، هنر، تجارت، صنعت و ... باز شود. البته نویسنده در مواردی جزئی به این مطالب اشاره کرده است، اما خوب بود که به صورت جداگانه آورده شود.

- یکی از موارد مهم، بررسی یکی از جنبه‌های در صفحه اقدامات فرهنگی دوره‌ی بنی عباس و امیران و حاکمان آنان، تعصب‌های بی‌جا و کوتاهی از بهره‌مندی از دستاوردهای نوابغ بزرگی چون بوعلی است که آنان را وادار به متواری شدن و ... می‌کردند. همچنین برخی حاکمان جای قدردانی و به کاربردن آثار آنان در متن جامعه و

یا حکومت، این آثار ارزشمند را مورد بی‌توجهی قرار می‌دادند و یا حتی می‌سوزاندند و یا از بین می‌بردند.

- بعضی مطالب درباره‌ی نوآوری‌ها در علوم مختلف لازم است که ذکر شوند ولو به صورت فهرست‌وار در باب موضوعات و یا مواردی مانند: فیزیک، مکانیک، ساخت توپ جنگی، ساعت زنگ‌دار، روانپزشکی با عنوان طب روحانی و و اما ترجمه:

مهمترین پرسش این بخش آن است که چه اسباب و علت‌هایی مترجم را به ترجمه کتاب ترغیب کرده است. در اصل گزینش متنی برای ترجمه اغلب با روحیات فردی رابطه دارد و از علایق وی ناشی می‌شود. مترجم در سطرهای پایانی مقدمه خود نگاشته است "این کتاب می‌تواند جای خالی کتاب درسی کلیات فرهنگ و تمدن اسلامی را تا حدودی پر کند." وی پیش از آن نیز متذکر شده است که کتاب به تقریب همه حوزه‌های علمی و فرهنگی و تمدنی دوره عباسیان را بررسی کرده و اجمالی از دستاوردهای عظیم ملل اسلامی را در سایه فرمانروایی خاندان عباسی تقدیم کرده است. با این توضیح روشن می‌شود که مترجم جامعیت اطلاعات کتاب و قصد بهره‌گیری از آن به عنوان کتاب درسی انگیزه خود معرفی کرده است.

از سوی دیگر وجود شاخصه‌ها و ممیزاتی در متن کتاب مترجم به ترجمه ترغیب می‌کند. شاخصه‌هایی از قبیل: شناخت جنبه‌های گوناگون تمدن طولانی عصر عباسی؛ ایجاد شوق مطالعه بیشتر در خواننده؛ "مباحث دلچسب و شیرین کتاب؛" آگاهی خواننده کاب از گوشه‌ای از دستاوردهای شگفت مسلمانان در عصر عباسی و ... کتاب نیز از وجوه اهمیتی برخوردار است. مواردی از قبیل رویکرد به بخش تمدنی تاریخ اسلام برای نشان دادن دستاوردهای عینی آن؛ جمع کردن و ارائه اطلاعات تمدنی عصری نسبتاً طولانی در یک مجلد که سهولت دسترسی را فراهم آورده است؛ فقدان متنی این چنینی در زبان فارسی و ...

۷. تمایز نقد متن و نقد ترجمه

مسلم است ترجمه متونی از این دست نیز سختی‌های خود را دارد. وجود لغات و مصطلحات خاص در حوزه تمدنی که هر کدام مدلولات و ویژگی‌های نیز دارند. در انتقال از زبانی به زبان دیگر گرفتاری‌هایی برای مترجم به وجود خواهند آورد. به همین دلیل نقد

متون ترجمه‌ای نیز ویژگیها و سختی‌هایی دارد. بررسی صحت ترجمه و رسایی مطلب و میزان وفادار به متن اصلی و توانمندی در رساندن پیامی که نویسنده داشته عمده‌ترین بخش کار است. در اصل برگرداندن متنی از زبانی به زبان دیگر ناخواسته به رسایی متن ضربه وارد می‌کند که چاره‌ای برای آن نیست، اما توانمندی مترجم در انتقال می‌تواند بخشی از این ضایعه را جبران کند. به نظر می‌رسد، مترجم محترم در ترجمه کتاب تمدن اسلامی در عصر عباسیان از عهده آن برآمده باشد. در نهایت کتاب فوق می‌تواند یکی از موثرترین کتابها در آشنایی علاقمندان با حوزه تمدنی اسلامی تلقی شود.

پی‌نوشت

۱. محمد کاظم مکی نویسنده‌ای لبنانی است. با جستجوی اینترنتی پنج اثر از وی به ثبت رسیده است: ۱- الحركة الفكرية في جبل عامل نشر دار الاندولس یک جلد، چاپ دوم سال ۱۹۸۲ (دو بار به چاپ رسیده است) ۲- المدخل الى حضارة العصر العباسي (کتاب مورد بحث ما) نشر دار الزهراء لأعلام العربی، بیروت، یک جلد، سال ۱۹۹۰ ۳- النظم الاسلامیة فی ادارات الدولة و سیاسات المجتمع، نشر دار الزهراء، ۱۹۹۱ ۴- قواعد اللغة العربیة، نشر دارالزهراء، ۵- منطق الحیاء الثقافیة، نشر دارالزهراء، ۱۹۹۱. همچنین از وی آثاری در تعلیم و تربیت اسلامی و برخی شخصیت‌های شیعی در مجله‌های الموسم و المنطق یافت می‌شود. برای اطلاع بیشتر ر.ک: www.noormags.com
۲. در این خصوص مورخان مانند ابن طقطقی در قرن هشتم در لابه لای حوادث سیاسی به ذکر برخی از اصناف و نقش آنها در رویدادهای تاریخی اشاره کرده است. ابن طقطقی، الفخری، (۱۴۱۸)، بیروت، دارالقلم العربی.
۳. در این زمینه می‌توان به آثار پژوهشی دیگر که جز کتب درسی دانشجویان نیز محسوب می‌شوند مراجعه کرد. ر.ک احمد آرام، علم در اسلام، بیتا، تهران، انتشارات سروش؛ الگود سیریل، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت اسلامی، (۱۳۵۶)، ترجمه باهر فرقانی، تهران، امیر کبیر؛ علی اصغر حلبی، تاریخ تمدن در اسلام (۱۳۸۲)، تهران، انتشارات اساطیر؛ علی اکبر ولایینی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
۴. حتی با جستجوی اینترنتی در چندین سایت نیز شرح حالی از نویسنده جز آنچه که در پانویشت یک ذکر شد بدست نیامد.

منابع

- آرام، احمد، علم در اسلام (بی‌تا)، تهران، انتشارات سروش.
- ابن خردادبیه، المسالک و الممالک (۱۹۹۲)، بیروت، دارصادر.
- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون (۱۴۰۸)، ج ۳ و ۴، بیروت، دارالفکر.
- ابن طقطقی، الفخری (۱۴۱۸)، بیروت، دارالقلم العربی.
- ابن فقیه، البلدان (۱۴۱۶)، بیروت، عالم الکتب.
- حلی، علی اصغر، تاریخ تمدن در اسلام (۱۳۸۲)، تهران، انتشارات اساطیر.
- دورانت، ویل، ویلیام جیمز، مشرق گاهواره تمدن (عصر ایمان) (۱۳۷۷)، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، سازمان انتشارات آموزش اسلامی،
- سیریل، الگود، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت اسلامی، (۱۳۵۶)، ترجمه باهر فرقانی، تهران، امیر کبیر.
- طغوش، سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۰)
- لوکاس، هنری استیون، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما (۱۳۸۲)، ترجمه دکتر عبدالحسین آذرنگ، تهران، سخن
- متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی، (۱۳۷۷)، ترجمه علیرضا ذکاوتی، تهران، امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم، (۱۴۱۱)، مکتبه مدبولی.
- مکی، محمد کاظم، (۱۳۹۱). تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، انتشارات سمت،
- ولایینی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات وزارت خارجه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی